

دوفصلنامه‌ی پژوهش‌های قرآنی در ادبیات، دانشگاه لرستان
سال دوم، شماره‌ی اول، پیاپی سوم، بهار و تابستان ۱۳۹۴ هـ ش/ ۲۰۱۵ م
صفحات ۱- ۱۷

نقدی بر معروف‌ترین روش‌های ترجمه قرآن کریم (بر اساس جدیدترین تئوری‌های ترجمه و زبان‌شناسی)

علی صیادانی^۱

رسول بازیار^۲

چکیده

در دهه‌های اخیر ترجمه‌های قرآن کریم و رویکردهای منتقدانه بر آنها، گسترش وسیعی داشته است ولی آنچه این رویارویی مبارک را به چالش می‌کشد، مبهم بودن روش ترجمه و یکسان نبودن زبان علمی ناقدان ترجمه و مترجمان است. نگارندگان در این پژوهش پس از معرفی معروف‌ترین انواع روش‌های ترجمه (ترجمه پویا، صوری، تفسیری، لفظی) مزایا و معایب هر یک را ذکر کرده، سپس ضمن معرفی نظریه‌پردازان و زبان‌شناسان معروفی چون: یوجین نایدا، پیتر نیومارک، گنتزلر، سنیل هورنبی و زونگ، نظریات آنان را نقد و بررسی کرده‌اند. ترجمه (لفظی و تفسیری) از قدیمی‌ترین روش‌هایی است که مترجمان قرآن کریم از آن‌ها بهره برده‌اند ولی از آنجایی که این دو روش، ترجمه مطلوب و ایده‌آلی به دست نداده‌اند، نگارندگان برآنند که ضمن پرداختن به ترجمه‌های پویا و صوری به رفع چالش‌های موجود در ترجمه قرآن کریم مختصر کمکی کرده باشند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که شیوه‌های مختلف ترجمه در صورتی مفید خواهد بود که همدیگر را تکمیل کنند و در پی هم به کار گرفته شوند. چرا که هیچ روش ترجمه‌ای به تنهایی نمی‌تواند در برگردان قرآن کریم به زبان فارسی موفق باشد و برای ارائه ترجمه موفق باید ضمن آشنایی با روش‌های ترجمه، در هر بافت موقعیتی، روش متناسبی انتخاب گردد. **کلید واژگان:** قرآن کریم، ترجمه لفظی، ترجمه تفسیری، ترجمه پویا، ترجمه صوری.

۱- استادیار زبان و ادبیات عربی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، (نویسنده مسئول): a.sayadani@azaruniv.edu

۲- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه تهران: rasuoolbazyar@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۴/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۲/۲۵



۱. مقدمه

۱-۱. بیان مسأله

قرآن کریم سند نبوت و معجزه‌ی جاویدانی است که به زبان عربی فصیح نازل شده است و از آنجایی که از لحاظ دلالت‌های واژگانی، دلالت‌های ادبی و زیباشناختی دارای ویژگی‌های خاصی است، جواز و عدم جواز ترجمه‌ی آن از آغاز نزول وحی بر قلب مبارک پیامبر اسلام(ص) تا به امروز مطرح بوده است. اندیشمندان علوم دینی در این باره اختلاف نظر داشته‌اند، گروهی ترجمه‌ی قرآن کریم را غیرممکن و اقدام به آن را حرام دانسته‌اند و عده‌ای، ترجمه‌ی آن را برای ابلاغ پیام الهی به جهانیان ضروری و واجب شمرده‌اند. با وجود این اختلاف نظرها قرآن کریم از آغاز تبلیغ اسلام ترجمه گردیده است، چنانچه نقل کرده‌اند که «ایرانیان از سلمان فارسی خواستند که قرآن را برای آنان به زبان فارسی ترجمه نماید» (سرخسی، بی‌تا: ۳۷).

معروف‌ترین شیوه‌های ترجمه، شامل ترجمه‌ی پویا، صوری، لفظی و تفسیری است. نگارنده پس از بررسی این روش‌ها و ذکر معایب و مزایای آن‌ها، از نظریات زبان‌شناسان و ترجمه‌پژوهان معروفی چون یوجین نایدا، پیتر نیومارک، کتافورد، سنیل هورنبی و گنتزler استفاده کرده‌اند. شیوه‌ی ترجمه‌ی پویا از جمله شیوه‌هایی بود که در غرب جنجال به پا کرد، نایدا در ترجمه‌ی انجیل از این روش استفاده کرد ولی طولی نکشید که با انتقادات زیادی از جانب رجال دینی کلیسا و ترجمه‌پژوهان مواجه گردید، زیرا در این روش اجازه‌ی هر گونه دخل و تصرف در متن اصلی به مترجم داده شده است (مجدی، ۲۰۰۹: ۳۲۱). بر این اساس این شیوه نمی‌تواند به تنهایی در ترجمه‌ی قرآن کریم اجرا شود، زیرا که قرآن کریم تنها کتاب آسمانی است که از تحریف دور مانده و این روش ارائه شده در صورتی که به تنهایی به کار گرفته شود بسیاری از اصطلاحات ویژه‌ی قرآنی مثل (صلاة، صوم) را با معادلی دیگر ذکر می‌کند که سبب تحریف می‌گردد. از دیگر روش‌های ذکر شده در ترجمه قرآن کریم روش تحت‌اللفظی است. این روش نیز نمی‌تواند ایده‌آل باشد، زیرا نمی‌تواند معنای واقعی مورد نظر قرآن را انتقال دهد (اللاوندی، ۱۹۸۱: ۱۶۵). مترجمان مسلمان برای حل این مشکل، ترجمه‌ی تفسیری را پیشنهاد کرده‌اند، ولی این روش نیز



به دلیل عدم تناسب با حجم متن اصلی قرآن کریم، روش مناسبی نبوده است زیرا مترجمان در روش ترجمه‌ی تفسیری قرآن کریم اغلب به برداشت شخصی خود تکیه کرده‌اند. از این رو بسیاری از ترجمه‌های آنان هیچ تطابقی با معنای واقعی قرآن ندارد (حاج ابراهیم، ۲۰۰۹: ۳۲۴).

۱-۲. سؤالات پژوهش

- ۱- مهم‌ترین روش‌های ترجمه، در برگردان متون مقدس کدامند؟
- ۲- زبان‌شناسان غربی در ترجمه متون مقدس به کدام شیوه ترجمه گرایش دارند؟
- ۳- کدام یک از انواع روش‌های ترجمه برای دریافت صحیح پیام و حفظ معنای زبان متن مبدأ (قرآن کریم)، مناسب‌تر است.

۱-۳. فرضیه‌ی پژوهش

- ۱- مهم‌ترین روش‌های ترجمه‌ی قرآن کریم شامل، تحت‌اللفظی، تفسیری، پویا و صوری است.
- ۲- بیشتر زبان‌شناسان غربی به دلیل رعایت اصول ترجمه در برگردان اصطلاحات فرهنگی متون مقدس، تمایل بیشتری به ترجمه پویا دارند.
- ۳- با در نظر گرفتن دیگر روش‌های ترجمه‌ای، ترجمه‌ی پویا برای دریافت صحیح پیام متن مبدأ و حفظ معنای زبان متن مبدأ، مناسب‌تر است و از تضعیف زبان مقصد نیز می‌کاهد.

۱-۴. پیشینه‌ی پژوهش

در حوزه‌ی ترجمه‌ی قرآن کریم، پژوهش‌های فراوانی صورت گرفته که ذکر همه آن‌ها در این جا غیرممکن است. برخی از مهم‌ترین پژوهش‌های انجام شده در این زمینه چنین است:

- ۱- ساختار زبان فارسی و مسأله ترجمه قرآن، نوشته مرتضی کریمی‌نیا، انتشارات هرمس، ۱۳۸۹.



- ۲- درسنامه ترجمه، اصول، مبانی و فرآیندها ترجمه قرآن کریم، محمدحسن جواهری، قم: پژوهش‌گاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۸.
- ۳- خطاهایی در ترجمه قرآن نوشته محمد رضا صفوی، چاپ شده در مجله بینات، ۱۳۸۵، شماره ۴۹ و ۵۰.
- ۴- جنبه‌های ترجمه قرآن، نوشته حسین عبدالرئوف، مجله حسنا، ۱۳۸۹، شماره ۴. تا جایی که نگارندگان اطلاع دارند تاکنون در موضوع مذکور، یعنی بررسی روش‌های معروف در ترجمه متون مقدس و بررسی بهترین روش ترجمه‌ای در برگردان معادل‌های فرهنگی، پژوهشی صورت نگرفته است.

۲. جایگاه قرآن کریم در مقایسه با دیگر متون دینی

قبل از اینکه به موضوع ترجمه‌ی قرآن کریم بپردازیم، لازم است که به ویژگی‌ها و خصوصیات آن اشاره کنیم. از معایب نظریه‌های جدید ترجمه این است که در این نظریه‌ها، معیاری خاص و معین برای ترجمه‌ی متون دینی مشخص نگردیده و این وظیفه سنگین را بر دوش مترجمان گذاشته است. بر همین اساس، وظیفه مترجمان و پژوهش‌گران مسلمان است که در تقسیم و دسته‌بندی متون دینی و ترجمه آن، اهتمام بیشتری به خرج دهند. در ترجمه متون دینی نمی‌توانیم شیوه‌ی خاص و واحدی انتخاب کنیم و بگوییم که این روش، روشی ایده‌آل و بی‌نظیر در ترجمه است (حاج ابراهیم، ۲۰۰۹: ۳۲۸). همچنان که نایدا در ترجمه انجیل به معادل‌یابی پویای صرف تکیه کرده است.

نکته‌ی دیگر اینکه قرآن کتابی است که تمامی قوانین و احکام و اصولی را که به زندگی بشر و مسیر هدایت و سعادت واقعی مربوط است در خود دارد، و به همین علت است که این کتاب آسمانی دارای رسالتی جهانی است و مخصوص قوم معینی نبوده است. با این وصف باید به بهترین شکل به دیگر زبانها ترجمه شود تا همه ملت‌ها از هر زبانی از آن بهره‌مند گردند. لذا بررسی شیوه‌های ترجمه‌ی قرآن می‌تواند در این مهم یاری‌گر پژوهشگران باشد.



۲-۱. ترجمه قرآن کریم

قرآن کریم از لحاظ دلالت‌های واژگانی (نحوی) و دلالت‌های ادبی و زیباشناختی، ویژگی‌های خاص خود را داراست. سؤالی که از آغاز نزول قرآن کریم برای مسلمانان و غیرمسلمانان و در طول تاریخ اسلام تا به امروز مطرح بوده، موضوع جواز ترجمه قرآن کریم است. اندیشمندان علوم دینی در این باره اختلاف نظر دارند، گروهی ترجمه قرآن را غیرممکن و اقدام به آن را حرام دانسته‌اند و عده‌ای ترجمه آن را برای رساندن و ابلاغ پیام الهی به جهانیان ضروری و واجب شمرده‌اند. متن مقدس به زبان‌های گوناگون ترجمه گردیده است اما برخی مترجمان آن به علت ضعف در درک قرآن و یا تفهیم آن در زبان مقصد و یا هر دوی آن‌ها و همچنین آشنا نبودن با دانش زبان‌شناسی و ترجمه‌شناسی، نتوانسته‌اند ترجمه‌ای مناسب و شایسته ارائه نمایند. عده‌ای از مخالفان ترجمه قرآن معتقدند که ترجمه، این کتاب آسمانی را تباه می‌کند، همان طور که پیش از این تورات و انجیل را تباه کرده است. در صورتی که عامل اصلی تحریف این دو کتاب مخفی کردن اصل آن‌ها و انتشار نسخه‌ی تحریف شده‌ی آن‌ها بود است (معرفت، ۱۳۷۶: ۱۵).

از آنجایی که قرآن کریم منبع تمامی احکام و قوانین اسلامی است مترجم باید هنگام ترجمه آن به زبان‌های دیگر جانب امانت و دقت را تا حد ممکن در نظر گیرد. خدای تبارک و تعالی در این باره می‌فرماید: «وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَ تَكْتُمُوا الْحَقَّ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (بقره: ۴۲). طبق آنچه که گذشت در ترجمه متون قرآنی باید روشی متفاوت با روش‌های ترجمه دیگر متون مقدس در پیش گیریم. به این دلیل که این کتاب آسمانی تنها کتاب مقدسی است که از تحریف دور مانده و اصل آن پا برجا است. مترجمان و ترجمه‌پژوهان غربی به ترجمه متون حقوقی نسبت به متون دینی اهتمام بیشتری نشان داده‌اند و تا حد امکان روح و محتوای متن اصلی آن‌ها را حفظ کرده‌اند. در صورتی که در ترجمه متون مقدس چنین کاری صورت نگرفته است (عنانی، ۲۰۰۳: ۲۱۲).

۳. معادل‌یابی در ترجمه

از دیرباز اصل معادل‌یابی در ترجمه مورد توجه ترجمه‌پژوهان و نظریه‌پردازان این فن بوده است تا اینکه به محور اصلی تلاش‌های صورت گرفته و آثار موجود در این زمینه تبدیل



شده است. هدف اصلی ترجمه‌پژوهان، در بحث پیرامون هم‌خوانی و مطابقت کامل میان متن اصلی و متن ترجمه شده، نمود پیدا می‌کند، طبق این نظر، کار مترجم فقط زمانی قابل تحسین است که از لحاظ تأثیر و درون‌مایه، تصویر عینی همان متن اصلی باشد (عجینه، ۱۹۸۹: ۱۵۲). کاتفورد در این مورد می‌گوید: «مشکل اساسی در فرآیند ترجمه معادل‌گزینی در زبان مقصد است و در این میان، وظیفه نظریه‌پردازان و ترجمه‌پژوهان تعیین شرایط و راهکارهای معادل‌گزینی می‌باشد» (کاتفورد، ۱۹۸۳: ۴۴).

با وجود اهمیت معادل‌یابی در ترجمه و همچنین تأکید نظریه‌پردازان ترجمه بر این امر، برخی دیگر از مترجمان در فرآیند ترجمه از این اصل چشم پوشیده‌اند. در این بین انتقادات نیشداری متوجه اصل معادل‌یابی گشته و عده‌ای از زبان‌شناسان و ترجمه‌پژوهان فرآیند انتقال اصطلاحی از زبان مبدأ به زبان مقصد را منع کرده‌اند و در مقالات خود بر امانت و دقت در ترجمه تأکید کرده‌اند. استدلال آنان در این امر این بود که چنین فرآیندی مستلزم انتقال تمامی نشان‌های زبانی و ساختاری از زبان مبدأ به زبان مقصد است (مونان، ۱۹۹۲: ۱۵۳).

سنیل هورنبی از طرفداران و نظریه‌پردازان این تئوری بود که به ردّ معادل‌یابی در ترجمه پرداخت و خواهان پرداختن به رابطه ناگسستگی بین متن اصلی و ترجمه آن شد (عنانی، ۲۰۰۳: ۲۲۴).

با وجود انتقادات گسترده‌ای که به اصل معادل‌یابی شده است این اصل همچنان شالوده مبحث ترجمه به شمار می‌رود و ترجمه‌پژوهان همچنان بر آن تأکید دارند. موارد جایگزینی که منتقدان و مخالفان این اصل ارائه داده‌اند نیز از حوزه‌ی معادل‌یابی خارج نیست زیرا این افراد بیشتر به رد معادل‌گزینی اصطلاح به اصطلاح پرداخته‌اند تا معادل‌گزینی متن به متن.

۳-۱. انواع معادل‌یابی (پویا و صوری)

یوجین نایدا مترجم و زبان‌شناس مسیحی، از معروف‌ترین نظریه‌پردازان در زمینه‌ی ترجمه است. او در اثر معروفش «نگرشی بر علم ترجمه» از اصل معادل‌یابی با اصطلاحی جدید

یاد کرده و آن را معادل‌یابی پویا نامیده است. وی اعتقاد دارد که معادل‌یابی دو نوع است: ۱- معادل‌یابی صوری ۲- معادل‌یابی پویا. معادل‌یابی صوری در واقع همان فرآیندی است که بر انتقال پیام متن اصلی، چه از لحاظ ساختاری و چه از لحاظ محتوایی تکیه دارد. مترجم در این روند در پی این است که تا حد ممکن نسبت به ساختار و مضمون پیام متن اصلی یا مبدأ امین باشد (نایدا، ۱۹۷۶: ۳۲۲) اما معادل‌یابی پویا، فرآیندی است که سعی دارد تا در خوانندگانش همان تأثیر و جذابیت متن اصلی را به وجود آورد. در این روند مترجم بر برابری متن اصلی با ترجمه آن تأکید زیادی ندارد، بلکه بیشتر در پی معادل‌یابی و برقراری رابطه‌ی پویایی است که متن اصلی را به خوانندگانش پیوند می‌دهد. نایدا می‌گوید معادل‌یابی صوری و پویا دو قطب اساسی ترجمه‌اند. به طوری که هیچ مترجمی نمی‌تواند ادعا کند که روزی بتواند یکی از آن‌ها را نادیده بگیرد. وی برای این دو نوع معادل‌گزینی نمونه‌ای از ترجمه انجیل را مثال می‌زند: (همان: ۳۲۴)

1-"Greet one another with a holy kiss"

2-"Give one another a hearty handshake all around"

جمله «یحیون بعضهم بعضاً بالقبلة المقدسة» را به «یصافحون بعضهم بعضاً حباً و تقدیراً» ترجمه کرده.

در این مثال در مورد اول که ترجمه آن با ساختار معادل‌یابی صوری، صورت گرفته ترکیب (holy Kiss) را بدون رعایت اختلاف فرهنگی بین دو دوره متفاوت قدیم و جدید (بوسه پاک) و در مورد دوم که با معادل‌گزینی پویا انجام شده، عبارت ترکیبی (holy Kiss) را متناسب با فرهنگ انگلیسی‌ها ترجمه کرده، زیرا طبق فرهنگ انگلیسی‌ها بوسیدن در هنگام خوش و بش و احوال‌پرسی رایج نیست و در ترجمه اخیر مترجم به فرهنگ زبان مقصد توجه لازم را مبذول داشته است. بر این اساس نایدا اصل معادل‌یابی پویا را در ترجمه پیشنهاد و از آن به عنوان نزدیک‌ترین مترادف پیامی به زبان مبدأ یاد می‌کند (همان: ۳۲۱).

این نظریه‌پرداز معروف به منظور طرفداری از اصل معادل‌گزینی پویا مثال‌های زیادی آورده است که در آن به اختلافات فرهنگی موجود در بین کشورها و ملت‌های مختلف

پرداخته است. مثلاً می‌گوید که چطور می‌توانیم کلمه صحرا را برای ساکنان استوایی جنگل آمازون ترجمه کنیم؟ یا چطور می‌توان کلمه ی (کوه) را برای ساکنین شبه‌جزیره کاملاً مسطح و هموار یوکاتا ترجمه کنیم در حالی که بلندترین تپه ی موجود در آن فقط ۴ متر ارتفاع دارد؟ (نیومارک، ۱۹۸۶: ۱۵۶)

۳-۲. چالش‌های ترجمه‌ی پویا در مواجهه با اصطلاحات فرهنگی قرآن

در صفحات قبل یادآور شدیم که معادل‌سازی پویا این امکان را به مترجم می‌دهد که از معادل‌های شایع در فرهنگ زبان مقصد استفاده کند. یعنی در این نوع ترجمه هیچ گونه قید و بندی پیش روی مترجم نیست. این نوع ترجمه توجیهی بود برای اقدام مبلغان مسیحی، تا انجیل را با لفظ (الکتاب) و الرب را با لفظ (الله) به زبان اندونزیایی ترجمه کردند و هدفشان از این کار فقط تفهیم رابطه میان مسیحیان و مسلمانان و رابطه‌ی انجیل و قرآن بود. ولی ما به خودمان اجازه نمی‌دهیم به مجرد اینکه به خوانندگان اروپایی قرآن اطلاع دهیم که اسلام با مسیحیت رابطه‌ای عمیق دارد دست به چنین کاری بزنیم (عنانی، ۲۰۰۳: ۱۶۲). طبق شیوی معادل‌یابی پویا، باید بتوانیم در ترجمه‌ی قرآن به زبان‌های دیگر طبق فرهنگ زبان مقصد عمل کنیم. مثلاً در آیه: «أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ» (غاشیه: ۱۷) اگر بخواهیم این آیه را به زبان کشوری ترجمه کنیم که در آن کشور شتر یافت نمی‌شود، می‌توانیم به جای (إبل) از حیوانی دیگر نام ببریم. بر اساس معادل‌یابی پویایی که نایدا ارائه داده است، در آیه «حَتَّى يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ»، در ترجمه آن به زبان کشور مالی می‌توان به جای لفظ (جمل) لفظ (فیل) را جایگزین آن ساخت. زیرا مفهوم کاربردی (جمل) در این آیه همان بزرگی این حیوان بوده است (حاج ابراهیم، ۲۰۰۹: ۳۳۱). همچنین اگر بخواهیم آیه «وَإِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ» (غاشیه: ۱۵) را برای اهالی جزیره یوکاتا که جزیره‌ای مسطح است و بالاترین تپه در آن حدود چهار متر ارتفاع دارد ترجمه کنیم، آیا می‌توانیم باز هم همان لفظ کوه را به کار بگیریم؟ (همان: ۱۳) در پاسخ به این سؤال می‌توان چنین گفت که این مفاهیم فرهنگی جدید و اصطلاحات مشکل موجود در قرآن حکیم، فقط مختص غیر عرب‌ها نبوده است بلکه خود اعراب نیز در درک



معنای بسیاری از اصطلاحات قرآنی مشکل دارند. مثلاً در مورد آیه «فَاكِهَةٌ وَ آبَا» (عبس: ۳۱) عده‌ای از مترجمان قرآن از جمله مهدی الهی قمشه‌ای (أب) را به معنای چراگاه گرفته در صورتی که دور از ذهن است که بعد از ذکر لفظ میوه، لفظ چراگاه به آن عطف شده‌باشد و طبق معادل‌سازی پویا می‌توانیم لفظ (الأب) را با میوه لذیذی در فرهنگ اعراب جایگزین کنیم. البته شکی نیست که مترجمان و عالمان مسلمان قرآن به هیچ وجه معادل‌یابی پویا به این شکل را نخواهند پذیرفت زیرا چنین کاری اقدام به تحریف متن اصلی قرآن خواهد بود. چنان که حتی در اروپا هم کشیشان و مبلغان مسیحیت و عده‌ای از مترجمان انتقادهای شدیدی بر این روش وارد ساخته‌اند. مثلاً گنتزler در کتاب «نظریه الترجمة الحديثة» اقدام ناپیدا به ترجمه انجیل با این روش را، به سخره گرفتن سخن خداوند دانسته است (عنانی، ۲۰۰۳: ۲۱۸). با وجود انتقادهای شدیدی که به روش پیشنهادی ناپیدا شد، وی توانست که از روش ابداعی خود دفاع کند و بر مترجمان و پژوهشگران بعد از خود تأثیر عمده‌ای بگذارد.

ناپیدا در مسأله اختلافات فرهنگی موجود در ترجمه، چالشی عظیم به وجود آورد مبنی بر این که معادل‌یابی صوری قادر به انتقال و توصیف مفاهیم فرهنگی نخواهد بود. این نظریه‌ی مبنی بر حدس شخصی وی است زیرا معتقد است که خوانندگان زبان مقصد توانایی درک مفاهیم فرهنگی دیگر ملت‌ها را ندارند.

۴. ترجمه صوری و نظریات پیتر نیومارک در رد معادل‌یابی پویا

وقتی که ناپیدا مسأله‌ی عدم توانایی مردم مالی در درک مفهوم (التین: fig) و همچنین ناتوانی ساکنین آمازون را در فهم معنای (صحرا: desert) مطرح ساخت، هیچ بررسی و تحقیق مستدلی در این زمینه انجام نداد و از نزدیک با اهالی این مناطق روبه‌رو نشد که آیا آنان قدرت و توانایی درک چنین مفاهیم فرهنگی جدید را دارند یا نه. بلکه فقط بر ایده‌ی شخصی خود اکتفا کرد. در صورتی که پیتر نیومارک مشکلی در ترجمه‌ی پدیده‌های محیطی و طبیعت نمی‌بیند. هر چند که این پدیده‌ها کمیاب و نادر باشند. زیرا وی معتقد است که در دنیای کنونی تلویزیون این مشکل را حل کرده است. از طرف دیگر

نایدا فراموش کرده است که ارتباط ملل مختلف با یکدیگر سبب درک و ملاحظه مفاهیم و اختلافات فرهنگی خواهد شد (نیومارک، ۱۹۹۲: ۱۲۹). از انتقادات دیگری که بر معادل‌یابی پویا وارد شده این است که این نوع معادل‌سازی خواننده‌ی متن را از تعمق در متن اصلی باز داشته و چنین وانمود می‌سازد که همه چیز در دسترس وی است. در صورتی که نایدا فراموش کرده است که برخی از عناصر اصلی متن مثل: «الصلاة و الحج و...» را نمی‌توان با آیین‌های موجود در دیگر مذاهب جایگزین ساخت. در واقع می‌توان گفت که ترس و دلهره مترجم نسبت به عدم توانایی خواننده‌ی متن در فهم معنای اصلی، توهینی به اوست. پیتز نیومارک در این مورد می‌گوید: «مترجم نباید طوری با خواننده رفتار کند که گویی در پی ارتباط با فرد نادانی هستند که از عدم درک وی و همچنین انتقال معنای اصلی به او در هراسند. وی بر این اعتقاد است که مفاهیم و معانی پیچیده و چند وجهی فرآیند پیچیده‌ای را ایجاد می‌کند که سبب درگیر شدن شبکه‌های مغز انسان و فعال شدن آن می‌شود و زمانی که انسان با خودش خلوت می‌کند معنای واقعی را بهتر درک می‌کند» (نیومارک، ۱۹۸۶: ۱۰۵).

پیتز نیومارک از ایده نایدا بر مبنای برتری معادل‌یابی پویا بر معادل‌یابی صوری انتقاد می‌کند و می‌گوید که مجزا ساختن این دو اصل معادل‌یابی در ترجمه غیرممکن خواهد بود و نمی‌توان یکی را بر دیگری ترجیح داد. وی معتقد است که باید اسلوب و مضمون متن را به هم پیوند داد. زیرا که رابطه‌ی این دو مثل رابطه‌ی زبان و فرهنگ است که نمی‌توان یکی را از دیگری تفکیک کرد. این بدین معنا خواهد بود که معادل‌یابی پویا بدون وجود معادل‌یابی صوری، مفید نخواهد بود (همان: ۸۱).

۴-۱. ترجمه تفسیری

مترجمان قرآن کریم به منظور برون رفت از تنگنای ترجمه‌ی تأویلی (پویا) این روش را پیشنهاد کرده‌اند. طبق نظر پژوهشگران مسلمان ترجمه‌ی تفسیری به معنای شرح کلام و بیان معنای آن به زبانی دیگر است. در این شیوه، مفسر قرآن کریم برحسب درک و فهم خویش عمل می‌کند. به عبارتی دیگر می‌توان گفت ترجمه تفسیری بر اساس درک

شخصی مترجم است و تأویل‌های احتمالی، معانی و مضامین قرآن حکیم را شامل نمی‌شود. بلکه فقط به فهم و برداشت مترجم و یا مفسر قرآن کریم مربوط است.

بدون شک قرآن در برگیرنده‌ی برخی از اصطلاحات و ترکیب‌هایی است که فهم آن با تکیه بر معنای ظاهری صرف، ممکن نیست. قرآن کریم در کاربرد کلمات و ترکیب‌های ویژه گاهی تنها بر معنای ظاهری کلمه تأکید دارد و گاهی نیز بر معنای ثانوی آن. مثلاً در قرآن کریم به طور مستقیم به نزدیکی زن و مرد با هم اشاره نشده و برای این عمل از کنایه‌های متفاوتی استفاده شده است. مثل: (الملازمة، الرث و...) و چنانچه بخواهیم این کنایه‌ها را به معنای اصلی آن ترجمه کنیم، قادر به ارائه معنای واقعی مورد هدف در این آیات نخواهیم بود. مثلاً در آیه: «أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيداً طَيِّباً فَامْسَحُوا بِوُجُوْهِكُمْ وَ أَيْدِيكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُوراً غَفُوراً» (النساء: ۴۳) لامستم در این آیه، به معنای آمیزشی جنسی می‌باشد و بسیاری از مفسران قرآن کریم در تفسیر این ترکیب اختلاف نظر دارند (حاج ابراهیم، ۲۰۰۹: ۳۰۷).

بر همین اساس، می‌توان گفت پی بردن به معنای اولیه و ثانویه‌ی قرآن کریم راه حل اساسی درک معانی این کتاب مقدس خواهد بود، مثلاً اگر مترجمی بخواهد این آیه را به شیوه‌ی تحت‌اللفظی (لفظ به لفظ) ترجمه کند. «وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ» ترجمه بسیار بدی ارائه خواهد داد و مطمئناً هدف قرآن نیز هرگز این نوع ترجمه (هرگز دستت را بر گردنت زنجیر مکن و بیش از حد دست خود را مگشای) نبوده است. هنگامی که مترجم به معنای ثانویه کنایه موجود در آیه بنگرد، درمی‌یابد که منظور از آن، تشویق به انفاق و رعایت حد اعتدال آن بوده است.

در فرآیند ترجمه فهم و درک معنای اصلی متن مورد توجه است که بر اساس این اصل تشخیص و درک تمامی معانی مورد نظر بر عهده‌ی مترجم خواهد بود. مترجم وقتی که با ترجمه یک متن روبه‌رو می‌شود و از دید شخصی خود بدان می‌نگرد، بدون شک ترجمه‌اش نیز رنگ و بوی همان فرهنگ و ایده‌های انباشته شده در ذهنش خواهد گرفت. ترجمه حرفی و لفظ به لفظ بسیاری از آیات قرآن کریم سبب شده است که بسیاری از اسلام‌ستیزان و ناآشنایان به علم ترجمه، این کتاب الهی را مورد انتقاد قرار دهند. در

صورتی که علت اصلی این امر عدم ترجمه‌ی صحیح و همچنین عدم فهم معانی مورد نظر در قرآن بوده است. مثلاً در آیه‌ی: «فَإِذَا لَقِيتُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقَابِ حَتَّىٰ إِذَا أَثَخَنَّوهُمْ فَشْدُوا أَلْوِثَاقَ فَإِمَّا مَنًّا بَعْدُ وَإِمَّا فِدَاءً» (محمد: ۴)، بیشتر مترجمان قرآن به زبان فارسی این آیه را چنین ترجمه کرده‌اند: «چون با کافران روبه‌رو شدید، گردنشان را بزنید و چون آن‌ها را سخت فرو فکندید، اسیرشان کنید و سخت ببندید.» این در حالی است که ضرب ۲۸ معنای مختلف دارد. برای آشنایی بیشتر با معانی مختلف ضرب چند مورد ذکر خواهیم کرد: ضرب الدهرُ بین القوم: روزگار میان مردم جدایی و تفرقه انداخت. ضرب عنه صفحاً: از او روی برگرداند، به او توجه نکرد. ضرب الخاتم: انگشتری درست کرد. ضرب فی الماء: در آب شنا کرد، ضرب بیده: با دست خود اشاره کرد. ضرب بالقдах: آتش روشن کرد. ضرب الشئ: آن چیز حرکت کرد. ضرب علیهم الذلة: آن‌ها را خوار و زبون ساخت. ضرب الأجل: مهلت تعیین کرد، و خیلی موارد دیگر. در اینجا قرآن نمی‌فرماید که گردن کفار را بزنید بلکه می‌فرماید: (وقتی که با کفار «گردن شکسته» (شکست خورده) روبه‌رو شدید... پس فرمان به گردن زدن نداده است و تأیید این سخن نیز ادامه‌ی آیه است که فرمان به اسیر کردن کفار می‌دهد و اگر قرار باشد ما گردن کفار را بزنیم، چگونه می‌توانیم آن‌ها را به بند بکشیم و اسیر کنیم. حرف جر پشت سر فعل نمی‌آید، مگر در موارد محدودی و در این صورت هم تأویل به مصدر می‌رود. از سوی دیگر همان طور که ذکر کردیم ضرب در صورت کاربرد با حروف جر معانی مختلفی دارد. چرا از بین این همه معنا ما باید (زدن) را انتخاب کنیم. همچنین در ترجمه این آیه: «مُلْعُونِينَ أَيْنَمَا ثُقُفُوا أُخْذُوا وَ قُتِلُوا تَقْتِيلًا» (احزاب: ۶۶) چنین آمده است: اینان لعنت شدگانند، هر جا یافته شوند باید دستگیر گردند و به سختی کشته شوند. بیشتر مترجمان قرآن به زبان فارسی باز هم این آیه را اشتباه ترجمه کرده‌اند. در مورد شأن نزول این آیه گفته شده است که منافقین برای زنان مسلمان که برای قضای حاجت از خانه خارج می‌شدند مزاحمت ایجاد می‌کردند و می‌خواستند آنان را بدنام کنند. همچنین ادامه‌ی آیات بر شایعه‌پراکنی منافقان علیه پیامبر تأکید دارد. وقتی این آیه نازل شد پیامبر (ص) ایشان را احضار کرد و فرمودند که

اگر از رویه خود دست برندارند با ایشان برخورد شدیدی خواهد شد، مبنی بر این که از شهر مدینه اخراج و تبعید خواهند شد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۵، ۳۷۵).

با این توضیح به این نتیجه خواهیم رسید که (قتلوا تقتیل) به معنای برخورد شدید خواهد بود. زیرا پس از فرمان پیامبر(ص) و نزول این آیه، منافقین دست از این کار برداشتند و کسی هم در پی این آیه اعدام نشد.

۴-۲. چالش‌های موجود در ترجمه تفسیری قرآن کریم

بسیاری از مترجمان قرآن کریم به این نتیجه رسیده‌اند که ترجمه تفسیری می‌تواند روشی ایده‌آل و راه‌حلی مناسب برای رفع چالش‌های موجود در ترجمه لفظی باشد ولی این شیوه نیز با انتقاداتی مواجه شد. مطمئناً هر کسی که بر سیر تاریخی ترجمه قرآن کریم اشراف داشته باشد متوجه این نکته خواهد شد که پژوهشگران مسلمانی که حکم به منع و حرام بودن ترجمه قرآن کرده‌اند، در وهله اول این امر را به ترجمه لفظی ربط داده‌اند. زیرا به عقیده‌ی آن‌ها در این شیوه مترجم درصدد تقلید از متن اصلی و تولید متنی است که کاملاً با آن هم‌خوانی و مطابقت داشته و همه‌ی ویژگی‌های آن متن را دارا باشد. در صورتی که هیچ متن مقصدی از لحاظ تأثیر و انتقال مضمون در سطح متن مبدأ و اصلی نخواهد بود (اللاوندی، ۱۹۸۱: ۲۴۴). شیوه‌ی ترجمه‌ی لفظی به زبان امروز با شیوه‌ی ترجمه‌ای لفظی که دانشمندان و پژوهشگران نخستین از آن نام می‌بردند تفاوت عمده‌ای دارد. در این شیوه‌ی به روز، ترجمه تحت‌اللفظی به معنای انتقال معانی اصلی مفردات متن مبدأ طبق ساختارهای نحوی زبان مقصد است. طبق این تعریف در می‌یابیم که این شیوه‌ی جدید با شیوه‌ی ترجمه‌ی لفظی که قبلاً از آن نام بردیم تفاوت عمده‌ای دارد. پیتر نیومارک بر این اعتقاد است که تمامی شیوه‌های ترجمه از ترجمه تحت‌اللفظی نشأت می‌گیرد و اعتراف می‌کند که ترجمه‌ی تحت‌اللفظی بسیار مشکل‌تر و فراتر از سطح معمول کلمه است (نیومارک، ۱۹۹۲: ۹۱).

از جمله انتقادهایی که به شیوه ترجمه‌ی تفسیری در ترجمه قرآن کریم شده این است که طرفداران این روش در ترجمه قرآن کریم درصدد ارائه شیوه تفسیری محض بوده‌اند و به منع ترجمه تحت‌اللفظی پرداخته‌اند.

بر اساس تئوری‌های جدید ترجمه می‌توان گفت که به هیچ وجه امکان ندارد که متنی با متنی دیگر هم‌خوانی و تطابق کامل داشته باشد. زیرا هر پیامی در حین روند ارتباطی جزئی از معنا و مضمونش را از دست خواهد داد و این همان فرایندی است که در علم فیزیک آنتروپی (Entropy) خوانده می‌شود (عجینه، ۱۹۸۹: ۲۷۵).

شیوه تفسیری مطلق قرآن باعث اختلاط مفاهیم و مضامین شده به طوری که بازشناسی تفسیر و ترجمه آن از یکدیگر غیرممکن می‌باشد. زونگ (Zhong) اعتقاد دارد که تفاوت میان مترجم و مفسر در این است که مترجم جز در شرایط خاصی مفسر نیست و فقط در وضعیتی به تفسیر می‌پردازد که از درک معنای متن اصلی عاجز باشد (همان: ۱۴۹).

۵. ارائه راه حلی در ترجمه پویای قرآن کریم

طبق آنچه گذشت معادل‌یابی پویا نمی‌تواند راه‌حل مناسب و ایده‌آلی برای رفع تمامی اختلافات فرهنگی و زبانی موجود باشد. زیرا به علت مشخص نبودن حدّ و مرز به به‌کارگیری این شیوه، چه بسا منجر به تحریف متن اصلی شود. با نظر به این امر، ترجمه‌ی تفسیری می‌تواند جایگزین مناسب و راه‌حل ایده‌آلی برای شرح و بیان اختلاف‌های فرهنگی و زبانی قرآن و ترجمه‌هایش باشد. با این همه، ترجمه‌ی تفسیری هم نمی‌تواند اساس ترجمه قرآن باشد زیرا در این نوع ترجمه، از یک طرف مترجم نمی‌تواند بر تمامی جوانب کلام تکیه کند و از طرف دیگر ترجمه‌ی تفسیری مطلق قرآن، ترجمه‌ای پر حجم خواهد شد که با حجم واقعی قرآن هیچ گونه تناسبی نخواهد داشت. بر این اساس، باید در مورد این دو شیوه (پویا و تفسیری) بازنگری اساسی شود.

انتقادات نیش‌دار و گزنده‌ای که بعضاً متوجه ترجمه پویای متون دینی است، نباید منجر به رد کلی این شیوه شود. زیرا اگرچه این شیوه دارای معایب و کاستی‌های زیادی است لکن می‌تواند راه‌حل‌های مناسبی ارائه کند. این امر در صورتی امکان خواهد داشت که حدود و ضوابط این شیوه مشخص شود. در واقع اشتباه بزرگ نایدا در این بود که حد و مرز این نوع ترجمه را مشخص نکرده و بدون هیچ گونه قید و بندی به مترجم اجازه هر

گونه تصرفی در متن اصلی داده است. در صورتی که آزادی مطلق و بی‌قید و بند، همیشه و در هر زمینه‌ای آسیب‌هایی به دنبال داشته است.

اگر ما حد و مرز ترجمه‌ی پویا را مشخص کنیم و ضابطه و قانون معینی برایش قائل شویم، می‌توانیم آن را یکی از زیرمجموعه‌ها و از انواع ترجمه تفسیری به حساب آوریم. از جمله دلایلی که سبب انتخاب معادل پویا در ترجمه قرآن می‌شود این است که تأویل در قرآن کریم به طور کلی ممنوع نمی‌باشد و این ممنوعیت و عدم جواز، تنها در مورد تفسیر به رأی و تفسیری که بر اساس هوی و هوس باشد صادق است (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۶۹: ۱۳). در صورتی که اگر تأویل با ترجمه تحت‌اللفظی متن قرآن متناسب باشد جایز است. به طور مثال در ترجمه این آیه: «وَالتِّينِ وَ الزَّيْتُونِ* وَ طورِ سِينِينَ* وَ هَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ» (تین: ۱-۳) اشکالی ندارد که طبق ترجمه تأویلی (تین و زیتون) را به دو معبد بزرگ (کعبه و بیت‌المقدس) تأویل کنیم. زیرا در این آیه اگر (تین و زیتون) را با معنای واقعی و لفظی ترجمه کنیم با اسلوب بلاغی متن هیچ هم‌خوانی نخواهند داشت. همچنان که نظر جمهور مفسرین نیز در این آیه است که چگونه ممکن است خداوند اول به دو میوه قسم بخورد و سپس در پی آن از دو مکان مقدس؟ ترجمه این آیه نمی‌تواند فقط بر اساس شیوه تفسیری و یا پویا باشد، بلکه اول باید ترجمه تحت‌اللفظی (التین و الزیتون) سپس به شرح رابطه پویای این دو لفظ (التین و الزیتون) با (بیت‌المقدس) پرداخت، که این کار از طریق شیوه‌ی تفسیری در حاشیه صفحه امکان‌پذیر خواهد بود. در این صورت ترجمه پویا به یکی از شکل‌های ترجمه تفسیری در می‌آید زیرا که به منظور کامل کردن ترجمه تحت‌اللفظی به میدان آمده است. بنا بر این زمانی ترجمه پویا ممنوع است که به تنهایی در متن به کار گرفته شود.

نیاز مبرم به معادل‌یابی پویا در ترجمه‌ی قرآن حکیم بیشتر در زمان مواجهه با ضرب‌المثل‌ها، تشبیهات و کنایه‌ها مشخص می‌شود. مثلاً: در آیه «وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سَيِّئًا بِهِمْ وَ ضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا» طبق معادل‌یابی پویا می‌توانیم که لفظ (ذرع) را به معادل (الصدر) ترجمه کنیم زیرا در این جا به کارگیری لفظ (ذرع) فقط برای تمثیل است. یعنی

طاقتش به سر آمد و معنای معادل‌یابی پویای آن (دل تنگ شدن) است: «و چون فرشتگان بر لوط وارد آمدند، وی از آمدن آنان پریشان‌خاطر و دلتنگ شد».

۶. نتیجه

تئوری‌ها و نظریات جدید زبان‌شناسان نشان می‌دهد که همانندی در دو زبان رؤیایی بیش نیست. با این وجود مترجم برای نزدیک سازی زبان مبدأ به مقصد چاره‌ای جز دو زبانه و دو فرهنگه بودن ندارد. در نتیجه برای ارائه ترجمه‌ای مناسب، دریافت صحیح پیام متن مبدأ و حفظ معنای زبان متن مبدأ ضروری است. به این منظور چاره‌ای جز استفاده از ترجمه پویا و بومی‌سازی عبارات زبان مبدأ وجود ندارد. چرا که دیگر روش‌های ترجمه، تفسیری و تحت‌اللفظی، در برگردان صحیح عبارات فرهنگی کارآمد نبوده و حتی به تضعیف زبان مقصد نیز منجر خواهد شد. بنابراین بدون دست‌کاری در متن مبدأ نمی‌توان به انتظارات مخاطب جامه عمل پوشاند. هر یک از شیوه‌های مذکور در صورتی که به تنهایی در ترجمه قرآن به کار گرفته شوند کارآمد نخواهند بود و تنها در صورتی مفید خواهند بود که به منظور تکمیل یکدیگر و در پی هم به کار گرفته شوند.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه مهدی الهی قمشه ای (۱۳۸۰ش)، قم: انتشارات فاطمة الزهراء.
۱. الالوسی، شهاب‌الدین السید محمود (۱۹۸۹)، *روح المعانی فی تفسیر القرآن الکریم*، بیروت: دارالکتب احیاء التراث العربیة.
 ۳. بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم (۱۳۶۹)، *مشکات ترجمه قرآن*، تبریز: دانشگاه تبریز.
 ۴. جی. سی. کاتفورد (۱۳۹۳)، *نظریة لغویة فی الترجمة*، ترجمه عبدالباقی مافی، البصرة: مطبعة دارالکتب.
 ۵. حاج ابراهیم، مجدی (۲۰۰۹)، «اشکالیه الترجمة الدینامیکه»، *مجله جامعه الشارقة*، ۲، مالیزیا.
 ۶. رایبسنون، داگلاس (۱۳۷۶)، «تئوری ترجمه در غرب»، ترجمه عبدالله کوثری و علی خزاعی فر، فصل نامه مترجم، شماره ۲۵، ص ۹۵-۱۰۴.

۷. زرکشی، بدرالدین محمد ابن عبد الله (۱۹۹۰)، **البرهان فی علوم القرآن**، دار إحياء الكتب العربية.
۸. سرخسی، محمد بن احمد (۱۹۸۹)، **المبسوط**، بیروت.
۹. الصابونی، محمد علی (۱۹۸۱)، **صفوة التفاسیر**، بیروت: دارالقرآن الکریم.
۱۰. صفوی، کورش (۱۳۸۳)، **درآمدی بر معناشناسی**، تهران: انتشارات سوره مهر.
۱۱. عجینه، محمد (۱۹۸۹)، **نظریات الترجمة فی الترجمة و نظریاتها**، إعداد مجموعة من الاساتذة الجامعيين قرطاج، بیت الحکمة.
۱۲. عنانی، محمد (۲۰۰۳)، **نظرية الترجمة الحديثة: مدخل الى مبحث دراسات الترجمة**، مصر: الشركة المصرية العالمية للنشر.
۱۳. اللاوندي، سعيد (۱۹۸۱)، **اشکالية ترجمه معانی القرآن الکریم**، القاهرة: دارغریب للطباعة.
۱۴. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، **تفسیر نمونه**، ج ۱، تهران: دار الكتب الإسلامية.
۱۵. معرفت، محمدهادی (۱۳۷۶)، «**بختی در مورد ترجمه قرآن مجید و امکان آن**»، مجله ترجمان وحی، شماره ۲، ص ۸-۲۱.
۱۶. موان، جورج (۱۹۹۲)، **المسائل النظرية فی الترجمة**، ترجمه لطیف زیتونه، بغداد: دارالشؤون الثقافية العامة.
۱۷. نایدا، یوجین (۱۹۷۶)، **نحو علم الترجمة**، ترجمه ماجدالنجار، بغداد: مطبوعات وزارة الاعلام.
۱۸. نیومارک، بیتتر (۱۹۸۶)، **اتجاهات فی الترجمة جوانب من نظرية الترجمة**، ترجمه محمود اسماعیل الصینی، الرياض: دارالمریخ.
۱۹. _____ (۱۹۹۲)، **الجامع فی الترجمة**، ترجمه حسن غزالة، مالطا: إیلجا.

